

ضرورت ثبت و نشر تجربه های امنیتی انقلاب و تأثیر آن در شکل دهی «روایت تاریخی ایران»

وزارت اطلاعات، تاریخ نگاری و جهاد تبیین



محمد امین فرج اللهی
بزرگوارترین تاریخ معاصر

سایر کشورها هستند. شاید این سؤال جواب های متعددی داشته باشد، اما دو جواب حتماً کلیدی تر است. یکی از مهم ترین اهداف چاپ چنین کتاب هایی، «ساختن روایت تاریخی» است. هرچه جلوتر می رویم دنیا شیشه ای تر می شود. امروز یا فردا، امسال یا ۱۰ سال بعد، بالاخره یک روزی ایجاد هر موضوعی به «سوز» بررسی تاریخی و قضاوت «مردم هر کشور و سایر جهان تبدیل می شود. گاهی افشا یا انتشار یک عکس و یک سند، گاهی یک مصاحبه سرشار از اطلاعات ناگفته، به هروسپله ای و به هر حال، گاهی سریع و گاهی تدریجی بالاخره «روایت تاریخی» هر اتفاقی ساخته می شود. پس چه بهتر که «ما» - یعنی سیستم اطلاعاتی درگیر آن موضوع - پایه یا بخشی از اولین خط روایی آن و اطلاعات اصلی اش را شکل دهیم تا دیگران و بعدی ها «روایت ما» را نقد و بررسی کنند. «اطلاعات منتشره ما» را رد یا تأیید کنند و «تحلیل های ما» از آن قضیه محور بحث و بررسی ها قرار بگیرد. یکی دیگر از مهم ترین اهداف چاپ چنین کتاب هایی، «خلق هویت افتخار آمیز ملی و عقیدتی» است. تنها دیکته نانوخته است که غلط ندارد. هر کارنامه ای پر از نقاط ضعف و پیروزی است، اما بالاتر از اینها آنچه مردم را به حاکمیت و تلاش های نهادها پیوند می دهد، یک «حس» تعلق ملی میهنی یا ایدئولوژیک است. روایت هوشمندانه شما از عملکردتان است که باعث می شود مردم با حاکمیت و با سیستم

اطلاعاتی آن در برابر یک تهدید مشترک یا در راه یک هدف مشترک احساس همبستگی کنند. با آن احساس پیروزی یا شکست می کنند، در شکست هایش غمگین شوند و با موفقیت هایش احساس افتخار کنند. حالا تصور کنید، شما به عنوان نهاد اطلاعاتی حاکمیت که کارنامه ای پر فراز و نشیب دارید، مهر سکوت بر لب بزنید و مردم، روایت عملکرد شما را تنها از زبان «دشمن» بشنوند، روایتی که طبیعتاً آمیخته به دروغ و تحریف و جعل و کوچک نمایی و بزرگ نمایی است و هدف نهایی اش هم تخریب شما است؛ روایتی که می کوشد شکست هایتان را بیشتر و بدتر نشان دهد و پیروزی هایتان را انکار کند. همچنین فرض کنید «ما» روایت سازی تاریخی، طرف مقابل، هم کمیت خروجی هایش بیشتر باشد و هم کیفیتش. چه کمترین و ضعیف ترین نتیجه اش این است که مردم نسبت به شما و توان اطلاعاتی و کارنامه تان دچار «تردید» می شوند. تقصیری هم ندارند، آنها طالب شنیدن و خواندن هستند، تقصیر از کسی است که سکوت کرده، غافل از اینکه در سایه انفعالش، روایت طرف مقابل آرام آرام شنیده می شود، جا می افتد و غالب شود. تدریجاً و نهایتاً وقتی تعدد روایت و اطلاعات طرف مقابل باعث شد تلاش و صداقت و موفقیت و همه چیز شما در ذهن مردم کشور خودتان زیر سؤال رفت، چه می شود؟ آن حس همبستگی و همسویی با شما، تبدیل به نفرت می شود و آرام آرام با نسلی مواجه

می شوید که در ذهن شان جای «ظالم و مظلوم»، «جلاد و شهید» و حتی «دوست و دشمن» عوض شده است. مردم تا دیروز شما را «در کنار خود» می دیدند، حالا در «مقابل خود» تا دیروز باید روایت می کردید که نکرديد، حالا باید دفاع کنید. در حالی بازی را باخته اید که دست تان از طرف مقابل پُرتر است. چرا؟ چون شما هستید که از همه چیز سند و مدرک دارید، طرف مقابل جز فیلم و تاریخ شفاهی افراد چیزی ندارد، این شما هستید که هم تاریخ شفاهی، هم سند و گزارش اطلاعاتی دارید، هم اسناد و اوراق قضایی و حقوقی و هم فیلم و صوت تاریخی دارید؛ کل سابقه تاریخی موضوعات مختلف را دارید؛ اما با سکوتتان همه چیز را باخته اید. در حالی که اگر تاریخ امنیت - با همه محذورات و فیلترهای لازم - توسط خود سیستم امنیتی و چهره های دست اندرکار آن روایت و منتشر می شد، این اتفاق نمی افتاد. حفره های خالی تحلیلی مردم، باید با اطلاعات و ناگفته های صحیح ما پر می شد، نه با سیل روایت یک طرفه دشمن. آن وقت این امکان فراهم بود تا مثل ما متوجه باشند چرا فلان برخورد صورت گرفت و چرا فلان جا این گونه عمل شد یا نشد. آن وقت در برابر هجوم و ویروس تحریف طرف مقابل، واکنشی می شدند، نه اینکه مثل یک بدن ضعیف، با هر عکس و سند و فیلمی به تشویش و تشنج بیفتند. حافظه امنیتی انقلاب پر است از تجربه هایی که ثبت و نشرش می تواند «روایت تاریخی ایران» را شکل

دهد و تعداد قابل توجهی از مردم را حول «هویت ملی و عقیدتی» جمع کند. موضوعات مختلفی مثل ضد جاسوسی، امنیت داخلی و مبارزه با تروریست ها پتانسیل رقم زدن این ماجرا را دارند، مثلاً اگر مسئول با سابقه ای که سال ها روی جریانات سلطنت طلب کار کرده بیاید خاطراتش را بنویسد و سابقه تاریخی موضوع را مرور کند، با فکت و خاطره و گاهی سند از همدستی آنها با دشمنان ایران بگوید، از تلاش های متعدد خفنی شده و خفنی نشده آنها در دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰ برای بیمگذاری و ترور بگوید، از بختیار و نسبتش با عراق، از تلاش های موفق نهاد امنیتی ایران برای نفوذ دادن منابع بین آنها و ایجاد انشعاب و اختلاف و حتی از منطق حذف فیزیکی برخی تروریست ها سخن بگوید، واقعاً سودش بیشتر است یا ضررش؟ اگر پیشکسوتان ضد جاسوسی بیایند و از جنگ اطلاعاتی سال های دهه ۶۰ و ۷۰، از جاسوسی در دوران جنگ، تبادل های اطلاعاتی، از موفقیت ها و ناکامی ها و ناگفته های دستگیری چند جاسوس مهم در دهه ۶۰ بگویند چطور؟ تصویر ذهنی مردم تغییر نمی کند؟ حس همراهی یا قدرشناسی نسبت به این تلاش ها بیشتر نمی شود؟ همه اینها به کنار، روایت تاریخی ذهن مردم با واقعیات شکل بگیرد بهتر است یا با دروغ های مستند شبکه های وصل به جیب آمریکا و انگلیس و عربستان و همه دشمنان ایران؟

اما سؤال مهم اینجا است که چرا هیچ کس و هیچ جایی احساس تکلیف نمی کند؟ واقعیت آن است که یک نگاه بین نسل مدیران و پیشکسوتان امنیتی وجود دارد که تا تغییر نکند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. پاسخ آنها به پیشنهاد کارکردن روی هر موضوع تاریخی امنیتی این است که «این مسائل دیگر فراموش شده اند، صلاح نیست با حرف زدن در این باره، آن را زنده کنیم و برخی جریانات و گروهها و افراد احساس کنند وزنی دارند.» به نظر می رسد وضعیتی که اکنون در آن گرفتاریم و

هدارهای چندین باره رهبری نسبت به کم کاری در تبیین روایت های تاریخی، نتیجه غلبه این نگاه باشد؛ نگاهی که حتی تلاش دشمن برای تحریف تاریخ را، نه کلان، بلکه جزئی تحلیل و فهم می کند و معتقد است آنها می خواهند زخم های کهنه و بسته را مجدداً باز کنند. غافل از آن که این حرف ها است و اگر امروز «جهاد تبیین» صورت نگیرد، «جهاد امنیتی اطلاعاتی» گذشته نیز بر باد خواهد رفت.

نسلی که انقلاب کرد، دستگاه های امنیتی نظام را تأسیس کرد و در این چند دهه از وسط میدان عملیات تا پشت میز مدیریت نهاد های اطلاعاتی حضور داشت، عمرش رو به پایان است. سن ها بالای ۶۰ و ۷۰ سال، حافظه ها در حال ضعیف شدن و بدن ها رنجور از کهنوت و بیماری و تدریجاً رو به اتمام عمر، سکوت، سم تاریخ است. کاش تا دیرتر نشده، ریل را عوض کنیم.



حافظه امنیتی انقلاب پر است از تجربه هایی که ثبت و نشرش می تواند «روایت تاریخی ایران» را شکل دهد و تعداد قابل توجهی از مردم را حول «هویت ملی و عقیدتی» جمع کند. موضوعات مختلفی مثل ضد جاسوسی، امنیت داخلی و مبارزه با تروریست ها پتانسیل رقم زدن این ماجرا را دارند.

آن است که یک نگاه بین نسل مدیران و پیشکسوتان امنیتی وجود دارد که تا تغییر نکند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. پاسخ آنها به پیشنهاد کارکردن روی هر موضوع تاریخی امنیتی این است که «این مسائل دیگر فراموش شده اند، صلاح نیست با حرف زدن در این باره، آن را زنده کنیم و برخی جریانات و گروهها و افراد احساس کنند وزنی دارند.» به نظر می رسد وضعیتی که اکنون در آن گرفتاریم و

سال نو مبارک

با تسهیلات بانک مسکن
سال نو، خانه نو

بانک مسکن
bank-maskan.ir
۰۲۱-۶۱۰۸۸۲۰

ولادت با سعادت حضرت ولیعصر (عج) فرخنده باد.

www.parsian-bank.ir

مرکز تماس و صدای پارسیان: ۸۱۱۵۱۰۰۰۰

بانک پارسیان